

# زبان قرآن

تألیف

مقصود فراستخواه



تهران ۱۳۷۶

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
چکیده فصل اول .....	۵
فصل اول: فلسفه‌های زبانی و زبان دین (نگاهی از بیرون و با فاصله دور) .....	۹
۱. توصیف مختصری از زبان دین (نگاهی از نزدیکتر) .....	۱۴
۲. راز زبان دین؛ راز کلام خدا (نگاهی گذرا از درون) .....	۱۶
۳. زبان قرآن (تتمه‌ای مجمل بر توصیف زبان دین) .....	۲۷
۴. عنصر زیبایی در دین و ماهیت زیباشناختی در زبان قرآن (چشم‌اندازی در ولایت ایمان) .....	۳۱
چکیده فصل دوم .....	۴۱
فصل دوم: خاستگاه و سیر تاریخی توّجّات و مطالعات زیباشناختی در زبان قرآن (اعجاز بیانی) «گزارشی تاریخی» .....	۴۵
۱. سده سوم و اوایل چهارم: دوره نخستین تلاشها و توصیفها درباره اعجاز	

- بیانی قرآن..... ۴۸
۲. سده چهارم و اوایل پنجم: گسترش بحثهای مربوط به اعجاز بیانی قرآن..... ۵۴
۳. سده پنجم: دیدگاههای برتر و تازه تر..... ۶۱
- الف. خفاجی؛ روش انتقادی و تحلیل و تطبیق منطقی..... ۶۳
- ب. عبدالقاهر و کار او..... ۶۷
- نظریه نظم عبدالقاهر (تأثیر مطالعات قرآنی دز به دست دادن رهیافتهای تازه زبانشناختی)..... ۶۷
- اشاره‌ای به سیر تاریخی کاربرد اصطلاح نظم درباره ساختار زبانی قرآن..... ۷۰
- مقایسه نظریه نظم عبدالقاهر با تئوریهای زبانشناختی عصر..... ۷۳
۴. اواخر سده پنجم، و سپس سده ششم و بعد از آن (بازیسین سیر کمالی)..... ۷۹
۵. سده ۱۳ و ۱۴: بیداری مجدد و از سرگرفتن تکاپوها..... ۹۱
- توجه به زبان قرآن در ایران سده‌های نخستین و دوره معاصر .. ۹۹

- چکیده فصل سوم..... ۱۱۹
- فصل سوم: عنصر آهنگ و زیبایی در زبان دین..... ۱۲۱
- چکیده فصل چهارم..... ۱۲۵
- فصل چهارم: آواشناسی زبان قرآن، انسجام، و روانی آن و سنفونیهای زیبایش ... ۱۲۷
- چکیده فصل پنجم..... ۱۳۵
- فصل پنجم: هماهنگی (هارمونی) آیات و پایان بندها..... ۱۳۷
- چکیده فصل ششم..... ۱۵۳

فصل ششم: برخی تقارنهای زیبای دیگر در بافت زبان قرآن:

- جناس، اشتقاق، طباق و تقابل، تناسب و ائتلاف، مشاکله، عکس و تبدیل، تصویر، مراعات نظیر..... ۱۵۵
- چکیده فصل هفتم..... ۱۶۳
- فصل هفتم: معادله آوایی - معنایی (فونوسمانتیک) در زبان قرآن..... ۱۶۵
- چکیده فصل هشتم..... ۱۸۳

فصل هشتم: هنر تصویری در زبان قرآن:

حسن آمیزی، خیال برانگیزی، صحنه‌نمایی، تجسم‌پردازی و نیروی نمایشی

- چکیده فصل نهم ..... ۱۹۳
- فصل نهم: زبان بی نهایت خرد - معانی بی نهایت خرد (کوائم زبان قرآن) ..... ۱۹۵
۱. چند مثال در این مورد از تک جمله‌های قرآن ..... ۱۹۸
۲. نمونه‌هایی از این مورد در عبارات قرآن ..... ۲۰۱
- چکیده فصل دهم ..... ۲۰۵
- فصل دهم: سخن سخنه و زبان سنجیده قرآن ..... ۲۰۷
- چکیده فصل یازدهم ..... ۲۲۱
- فصل یازدهم: جانشین‌ناپذیری و بی‌بدیلی در واژگان و تعابیر قرآنی ..... ۲۲۳
- چکیده فصل دوازدهم ..... ۲۳۷
- فصل دوازدهم: ابررسانایی در زبان قرآن ..... ۲۳۹
- چکیده فصل سیزدهم ..... ۲۵۳
- فصل سیزدهم: عنصر «مجاز، کنایه، استعاره و تمثیل» در زبان قرآن ..... ۲۵۵
۱. زبان کنایی لازمه بیان معانی متعالی ..... ۲۵۹
۲. مجاز چنان جلوه‌ای دیگر از زیبایی بیان ..... ۲۷۱
- چکیده فصل چهاردهم ..... ۲۷۵
- فصل چهاردهم: حروف رمز (کدها) در زبان قرآن ..... ۲۷۷
- پیوست [۱] اشاره‌ای بر توجه به آگاهی و عقل و استدلال در زبان قرآن  
(مربوط به فصل اول) ..... ۲۸۹
- پیوست [۲] اشاره‌ای به لزوم همسخنی زبان ایمان با زبانهای دیگر (مربوط  
به فصل اول «۱».) ..... ۲۹۳
- پیوست [۳] فهرست برخی از جلوه‌ها و جنبه‌های مربوط به زیباییهای  
زبان قرآن در سخن پیامبر (ص)، ائمه (ع) و صحابیان (مربوط به فصل  
دوم) ..... ۲۹۷
- پیوست [۴] اشاره‌ای به مبانی کلامی سخن گفتن خدا با رسولان (مربوط به  
فصل دوم «۱».) ..... ۳۰۳
- پیوست [۵] نقدی بر سیر تحول قرآن (مربوط به فصل دوم «۵».) ... ۳۰۷
- کتاب‌شناسی ..... ۳۱۵

تقدیم به همسر و همدم انیس و مهربانم

## مقدمه

در دورهٔ تمدن جدید غرب، از قرن هفدهم، ثبات اعتقادات دینی با توفانی از شک و تردید به هم خورد. قرن هجدهم رو بهمرفته، دورهٔ غرور عقلی و علمی، و عصر رد و ستیز و انکار دین بود. در قرن نوزدهم، خصوصاً نیمه دوم آن، اینجا و آنجا، احساس شد که دین نیز می‌تواند در تأمین پاره‌ای از نیازهای مردمان در زندگی سودمند افتد و در نتیجه از بدبینیها قدری کاسته شد. در قرن بیستم دین محلّ توجه و موضوع مطالعه گردید. خصوصاً پس از جنگهای جهانی اوّل و دوم و بحرانهای متعدّدی که نظامهای جدید به آن دچار شدند، الاهیّات جدید مسیحی در امریکا و اروپا توجه بسیاری را به خود معطوف ساخت، همان‌گونه که انگیزستانسیالیسم مسیحی نیز نفوذ و تأثیر فراوان داشت و از سخنان و نوشته‌های متکلمان جدید مذهبی استقبال وسیعی می‌شد. دین پژوهی با دقت جست‌وجوی بیشتری در محافل دانشگاهی، مراکز مطالعات فکری و اجتماعی، و مؤسّسات پژوهشی جزو دستور کار بود و این امر با حضور مؤثر مذهب در صحنهٔ تحولات اجتماعی و سیاسی افریقا، آسیا،

و امریکای لاتین همزمان بود. به تعبیر هانا آرنِت، دیگر فروشکستن ایمان دینی را، پیش شرط هر تحوّل و انقلاب و پیشرفت نمی دانستند.<sup>۱</sup> اینک انسان عصر ارتباطات به استقبال سده بیست و یکم می رود که یکی از ویژگیهای آن (چه در شمال و چه در جنوب) اهمیت یافتن مذهب در معادلات اجتماعی و بین المللی و فرهنگ و زندگی بشری است. همین امروز درآمد برخی از فرقه های دینی در اروپا بیش از درآمد پاره ای از کشورهاست (مثلاً ۱۰ میلیارد دلار) معتقدان آنها کسری از درآمدهای خود را، حتی گاهی در هر هفته، به سازمان دینی خویش می دهند و با همین هزینه ها سرمایه های اولیه تأمین می شود و سپس با فعالیتهای هنگفت بعدی گسترش پیدا می کند.<sup>۲</sup> در کتاب تکاپوی ۲۰۰۰، یکی از ده مشخصه ای که جان نسبیت و پاتریشیا اُبردین برای سده جدید آینده پیش بینی کرده اند مطرح شدن دین است. در همان جا آمده که چگونه در خلال سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ (دو سال) در امریکا ۴۰۰ فرقه جدید مذهبی فعالیت داشته اند و چگونه شبکه های تلویزیونی مذهبی، برنامه های ۲۴ ساعته دارند.<sup>۳</sup>

روا نیست این تحولات را با خوش بینی ساده اندیشانه ای بنگریم. ما معتقدان به دین که برای دین حق نقش و رسالتی سترگ در رشد و ارتقای انسان و پاسخگویی به اصیل ترین نیازهای او و شکوفا سازی و تعالی بخشیدن جامعه انسانی و تأمین سعادت آدمی قائل هستیم باید بدانیم که آن سوی تحولات بظاهر مثبت جدید، انبوهی از شکوک و

۱) هانا آرنِت، انقلاب، ترجمه عزت الله فولادوند، خوارزمی، ۱۳۶۱؛ ص ۲۶۵.

۲) گزارش دکتر غلامعباس توسلی از کنفرانس بین المللی جامعه شناسی دینی، ۱۹۹۱ دوبرلین در ایرلند جنوبی (سخنرانی دانشگاه در جمع دانشجویان).

۳) جان نسبیت، پاتریشیا اُبردین، تکاپوی ۲۰۰۰، ترجمه صها سعیدی، تهران، ۱۳۷۰؛ ص ۳۰۵-۴۴۶.

شبهات و سؤالات، و نیز گرد و غبار تیره و تاری از خرافات و موهومات و انگاره‌های متحجّر و منفی و زیانبار و سست‌اندیشیها و کژ رفتاریهای مذهبی، بین نسلهای معاصر و ایمان اصیل و تعالی‌بخش دینی حایل است، به گونه‌ای که ممکن است به جای بهره‌مندی از دین حق، یک چند نیز با پندارهای سست و انحطاط‌آوری به نام دین، عاطل و باطل شوند، یا آنکه مشاهده نمودهای نامطلوب و آسیب‌پذیر اندیشه و رفتار دینی، به یأس و سرخوردگی و نیست‌انگاری و پوچی دچار آیند.

قرآن سند معتبر و اجماعی دین حنیف و در برگیرنده پیام توحید و گوهر هدایتی است که در بازپسین دوره هزاره‌های نبوت از غیب هستی بر محمد امین (ص) وحی شده است. این میراث بزرگ معنوی، برای انسان دوران خاتمیّت، به جای مانده و الهامبخش خودآگاهی، دادگری، و آزادی مردمان و خداینامه سترگ کمال‌خواهی، تعالی، و رستگاری آدمی است.

به قرآن از نظرگاههای گونه‌گون می‌توان نگاه کرد، اما در این نوشته، تنها از منظر زبانشناختی و زیباشناختی (به دلیل اهمیتی که آن دو در روزگار ما یافته است) نگریسته می‌شود. نویسنده نمی‌داند با این چشمان کمسو چه اندازه صواب دیده است، باری به قدر خویش کوشیده است. امید که دیگران در این راه استوارتر گام زنند. از برادر عزیزم جناب آقای سعید دستگیری، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز که بیوست شماره ۵ کتاب حاصل کوشش ایشان است سپاسگزارم.

در اینجا با الگوگیری از نویسنده‌ای فاضل، این سخن احمد غزالی بازگو می‌شود: «گاه خزفی یا خزری به دست شاگرد نوآموز دهند تا استاد شود، گاه به تعبیه، درّثمین و لؤلؤلالا به دست ناشناس او دهند — که زهره ندارد دست معرفت استاد — که آن را بر ماسد تا به سفتن رسد.» آن درّ درخشان آسمانی، قرآن است و آن شاگرد نوآموز منم. ذرّه‌ای از



حلاوت دلنواز کلام رحمانی از کودکی در کام جان و دل نشسته، و پرتوی اندک از هدایتها و اشارتهای فروزان و حیانی در طول ۲۵ سال گذشته، به برکت عالمان ارجمند سلف و خلف، بر هستی سرد و خاموش تاییده، و قرائت قند مکرر قرآنی، خصوصاً در ماههای ضیافت ربّانی، بهره‌ای از مشاهده مرتبه بسیار نازل و فرودین جلوه‌ها و زیباییهای بلند و برین نامه آسمانی، ارزانی داشته است. اما این همه، برای شاگردی ناآموز چو من، از داستان بر ماسیدن لؤلؤلالا در دستان شاگرد ناآموز خطیرتر و دشوارتر بوده است و دریغا که هرگز هم به سفتن نخواهد رسید.

مقصود فراستخواه

ش ۱۳۷۱

ق ۱۴۱۳

## چکیده فصل اول

فصل نخست دربارهٔ زبان دین و عنصر زیبایی در آن است. در این بخش، هم رویکرد زبانشناختی هست و هم وجههٔ نظر زبانشناختی.

در روزگار کنونی مسئلهٔ زبان به طور خاصی موضوعیت یافته و فلسفه‌های تحلیل منطقی زبان در دستور کار متفکران قرار گرفته است که براساس آنها بسیاری از مسائل فکری، از مغالطات زبانی ناشی؛ و با پالودن زبان، رفع و رجوع می‌شود. تأملات زبانشناختی جدید، موجب شده تا توجّهات، به سطوح اندیشه و ساختهای زبانی بشر، و تمایز و کاربرد هر یک از آنها معطوف شود و در این راستا زبان دین موضوعیت یابد. فیلسوفان زبان از دور به دین و زبان آن می‌نگرند و یک فرد دیندار شایسته است از ولایت ایمان موقتاً سفری به بیرون کند و از دین بقدری فاصله بگیرد که بتواند از نقطه نظر فلسفه‌های معاصر نیز بدان بنگرد.

در قسمت دوم، تا اندازه‌ای نزدیک می‌آییم و می‌کوشیم زبان دین را به

اختصار توصیف، و به تمایزهایش با زبان علم و فلسفه اشاره کنیم. زبان دین، زبان عامل پرشور و حال، و با وجد و انگیزه و احساس است و با زبان ناظر بی طرف و فارغ‌البال فرق دارد. اما زبان دین منطق و استدلال خاص خود را نیز دارد. پیوست یک مربوط به همین فصل و نمونه‌ای از زبان استدلالی در قرآن است.

در قسمت سوم از حومه اقلیم ایمان، به درون آن می‌آییم. در این چشم‌انداز، رمز دین و سرّ زبان آن در راز سخن‌گفتن خدا با انسان نهفته است. آموزگار زبان دین خود پروردگار متعال است و گر نه انسان به خود و انهاده کی تواند آن متعالی را در ذهن و زبان کثرت‌آلود خویش بگنجانند و چگونه شناخت او از خدا با اوهام و افسانه و شرک، و یا ابهام و غموض و دشواریهای منطقی درآمیخته نشود؟ کلمات خدا و کلام او سرمشق زبان دین و منشأ همسخنی انسان و خداست. فهم زبان دین، در بایست نیوشایی کلام حق و نیل به مقام مکالمه با سرّ و حقیقت هستی است. پیوست شماره ۲ مربوط به این فصل است و به لزوم همسخنی زبان ایمان با زبانهای دیگر اشاره می‌کند.

قسمت چهارم تکمله‌ای بر فصل ۲ و ۳ است و زبان قرآن را به اجمال ذکر می‌کند. زبان اصلی قرآن زبان هدایت معنوی است نه زبان علمی، حقوقی، تاریخ‌نگاری، و جز آن. در پایان این فصل پاره‌ای از سرفصلهای مربوط به متدولوژی و منطق زبانی قرآن را نام برده‌ایم، ولی آنها موضوع بحث نوشته حاضر نیست و به نوبت و نوشته دیگری واگذار می‌شود.

در قسمت پنجم به عنصر زیبایی دین و ماهیت زیباشناختی زبان قرآن اشاره می‌کنیم. در احساس و تجربه دینی، زیباشناسی ژرفی نهفته است و به همین جهت تاریخ دین و تاریخ هنر در ارتباط تنگاتنگی با همدیگر بوده است و هنر و دینداری خویشاوندند. قرآن و از جمله زبان آن، خصیصه‌ای زیباشناختی دارد و حتی توجه غیرقرآنیان را نیز احیاناً به خود جلب کرده است اما ما زیباییهایی از زبان قرآن را نشان می‌دهیم که در اثر اتحاد اثر

بیرونی (قرآن) و جنبش درونی (ایمان) برای مسلمانان جلوه پیدا کرده است  
(به روش شهود).



## فصل اول

### فلسفه‌های زبانی و زبانِ دین (نگاهی از بیرون و با فاصلهٔ دور)

زبان‌شناسی دین از کلیدی‌ترین بحث‌هایی است که امروزه هم فیلسوفان دین (که از بیرون به مذهب نگاه می‌کنند) و هم متکلمان و دینیاران (که نگاه از درون دارند) بدان دلمشغولی پیدا کرده‌اند. به طور کلی، زبان از جمله مسائلی است که، خصوصاً در سدهٔ کنونی، ذهن اندیشندگان را به خود معطوف ساخته است.

اگر در عصر هیوم و کانت سنجش و نقّادی فاهمهٔ بشر باب شد، در این عصر به کار ناطقهٔ او پرداختند<sup>۱</sup> و متفکرانی بر آن شدند که تکلیف بسیاری از مفاهیم و مقولات ما، با تجزیه و تحلیلِ منطقی زبان معلوم می‌شود. به تصوّر آنها، اگر منطقِ زبان در کار باشد همه یا دست‌کم بخش

---

(۱) یوستوس هارت ناک، ویتگنشتاین، ترجمهٔ منوچهر بزرگمهر، خوارزمی، ۱۳۵۱؛ ص ۶.

عظیمی از مسائل اندیشگی بشر، رفع و رجوع و حلّ می‌شود.

ویگوتسکی (۱۸۹۶ - ۱۹۳۴) گفت که تفکر بشر نه فقط در قالب زبان، بلکه از طریق زبان صورت می‌پذیرد و اصلاً تفکر، خود، نجوای درون است.<sup>۱</sup> ویتگنشتاین (۱۸۸۹ - ۱۹۵۱) تأکید کرد که اغلب مسائل فلسفی از سوء تفاهات در کاربرد زبان ناشی می‌شود.<sup>۲</sup> کارناب (۱۸۹۱ - ۱۹۷۰) گفت: «هر زبانی مرکب از لغات، و قاعده و دستوری برای به کار بردن آنهاست، یعنی یک دسته الفاظ که دارای معنی است و قواعدی برای ترکیب جملات. از این رو، دو قسم جمله کاذب است: یا حاوی کلمه‌ای است که به خطا دارای معنی محسوب می‌شود، یا الفاظ مقوم جمله دارای معنی است ولی برخلاف دستور زبان به هم ترکیب شده است. از این رو، جمله بامعنی از آنها حاصل نمی‌شود.»<sup>۳</sup> آیر (متولد ۱۹۱۰) توضیح داد که نظریه پردازان، ابتدا با کلمات و جملات پرویزن نشده، و کژیها و کاستیهای ترکیبات نحوی خود گرد و غبار به راه می‌اندازند سپس از دیده‌نشدن راه شکایت می‌کنند.<sup>۴</sup> باری به نظر این کسان، خیلی از معضلات فکری ما، بازگشت به پارادوکس‌های<sup>۵</sup> زبانی دارد و با پالودن زبان فیصله پیدا می‌کند.

روزگاری فیلسوف کسی بود که از زمین تا آسمان، حکم مقطوع همه چیز را معلوم می‌ساخت و اغلب چنین می‌انگاشتند که انسان می‌تواند بسادگی، هم درباره هستی، هم درباره طبیعت، هم راجع به تن و

---

(۲) لوسیمونوویچ ویگوتسکی، تفکر و زبان، ترجمه بهروز عزبدفتری و بایرام صادقی، نیما، ۱۳۶۷؛ ص ۱۹۰.

(۳) ویتگنشتاین، نگاه کنید به: بخش مربوط به رساله منطقی - فلسفی.

(۴) آرن نائس، کارناب، ترجمه منوچهر بزرگمهر، خوارزمی، ۱۳۵۲؛ ص ۶۲.

(۵) نک: آلفرد جونز آیر، زبان، حقیقت و منطق، ترجمه منوچهر بزرگمهر، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۶۵.

روان و زندگی اجتماعی خود (از منزل تا مُدُن) سخن بگوید و نظریه بدهد. تا اینکه متفکرانی پای فلسفه را از موضوع شناسایی به فاعل شناسایی کشاندند و گفتند سزاوار است پیش و بیش از شناخت امور و اشیاء، خود شناخت را بشناسیم (معرفت شناسی).<sup>۷</sup> بدین ترتیب، از بلندپروازها و پارادوکس‌ها و خامی و غرور افکار قدری کاسته شد و معلوم گردید که اندیشیدن و نظریه پردازی، حدّ و مرزی دارد، از این گذشته، در فرایند شناخت، ذهنیت انسان و عینیت امور، نوعی همکنشی دارند. این مقوله تاریخی به جایی رسید که در دوره معاصر و با پیشرفت روشها و علوم تجربی و پیدا شدن تخصصهای ریزپرداز، گروهی از فلاسفه جدید متقاعد شدند که جزئیات امور عالم و آدم را به روشهای تحقیق کمی و دقیق، و پژوهشهای جزئی‌نگرو تخصصی واگذارند و خود به تأملات و تجزیه و تحلیل‌های منطقی درباره ذهن و زبان و اندیشه و دانش بشر همت گمارند.

تا آنجا که به دین مربوط می‌شود فلسفه‌های تحلیل منطقی زبان موجب گردید که به تمایزهای موجود میان ساختها و سطوح گونه‌گون فکر بشر، و کاربردهای متنوع زبان، و از جمله تمایز زبان علم با زبان دین توجه شود. دست کم این واقعیت را پذیرفتند که هر یک از ساختها، کاربرد زبانی ویژه‌ای دارد و، در نتیجه، ساخت دین و ایمان نیز دارای زبان خاص خودش است و در میان اهل دین و عرف دینی، و در قلمرو ابعدی از زندگی دینداران، می‌تواند نقش و کارایی مفید و ارزنده‌ای داشته باشد.

کارناپ در واپسین نتیجه‌گیریهای خود، جزمیت تعصب آلود پوزیتیویسم جدید<sup>۸</sup> را رد کرده و انکار هر زبان دیگر جز زبان علم (مانند زبان فلسفه، زبان اخلاق، زبان هنر، و زبان دین) را صواب ندانسته است:

7) Epistemology

8) Neopositivism



«صدور حکم تحریم درباره بعضی صور کلامی [کاربردهای زبان] به جای اینکه آنها را برحسب توفیق یا عدم توفیقشان در عمل بررسی کنیم بیهوده و حتی مضر است... در اظهار خبر، محتاط باید بود و در بررسی آنها نقّادی کرد ولی در جواز صور کلامی باید تساهل داشت.»<sup>۹</sup> همچنین آیر، با تصریح و تأکید، از تفاوت حرفهای خود و دیگر فلاسفه زبانی درباره دین و خدا با حرفهای ملحدان، شکاکان، و حتی لادریان سخن می گوید: «باید دانست که نظریه ما درباره اخبار و قضایای دینی با نظریه ملحدان یعنی منکران وجود خدا و لادریون و شکاکان فرق دارد زیرا خصوصیت شکاکان این است که می گویند وجود خدا امری ممکن است که دلیلی له یا علیه اعتقاد به آن نیست و ملحدان می گویند که لااقل محتمل است که خدایی نیست ولی ما می گوئیم هرگونه اظهاری در این باره مهمل و بی معنی است و این نه فقط با نظریه آنها یکی نیست و این دو عقیده مشهور را تأیید نمی کند بلکه متنافی با آنهاست زیرا اگر قول به این که خدایی هست مهمل خوانده شود قول مخالف آن که خدایی نیست هم مهمل خواهد بود... بنابراین، ما همان تسلائی خاطری را که به اصحاب علم اخلاق دادیم به معتقدان دینی هم می دهیم که هر چند اظهارات آنها معتبر و صحیح نیست، غیر صحیح و نامعتبر هم نمی تواند باشد، زیرا اصلاً چیزی درباره عالم نمی گویند. نمی توان آنها را متهم به قول کذب کرد یا قولی که برای اثبات آن دلایل کافی ندارند...»<sup>۱۰</sup> آیر در

۹) کارناپ، ص ۱۰۴.

۱۰) زبان، حقیقت و منطق، ص ۱۶۱-۱۶۲ [بر سخن آیر و همفکران او می توان ایراد کرد که خود گرفتار نوعی مغالطه منطقی شده اند. آنان می گویند «قضایای دینی مهمل و بی معنی است، معتبر و صحیح نیست و چیزی درباره عالم نمی گوید.» اگر بررسی که مهمل و بی معنی چیست می گویند هر چه علمی و تجربی نیست. اگر سؤال کنی معتبر و صحیح کدام است می گویند آنچه علمی و تجربی است. اگر بررسی که چگونه می توان درباره عالم سخن گفت